مسؤولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نصیر فیاض

۲۰۲۰/۰۵/۲۰

جنایت نامه "مارشال" عبدالرشید دوستم مشهور به گلم جمع

●بتاریخ ۱۴ عقرب ۱۳۸۱ عنایت‌اله فرزند رجب علی خسربره رجب‌بای قوماندان (از سرشناس‌ترین قوماندانان مجید روزی) از داوود قصاب خواست تا دخترش را به وی بدهد. داوود جواب رد داده می گوید: «تو زن و اولاد داری و از طرف دیگر از لحاظ سن و سال هم تفاوت زیاد است.» اما عنایت‌اله قناعت نمی‌کند.
داوود قصاب با پسرش عبدالفتاح نزد رجب بای می رود و موضوع را به او می گویند. رجب بای هم به آنان آمرانه دستور می‌دهد: «فیصله از من است. دختر خود را باید به قوماندان من بدهی در غیر آن نمی توانی در این قریه زنده بمانی.» بالاخره پدر و برادر دختر را که تسلیم نمی شوند زیر لت و کوب شدید می گیرند تا اندازه‌ای که هر دو بیهوش شده و بدون رضایت آنان به نام رسم و رواج فیر تفنگ صورت می‌گیرد و توسط ملای محل نکاح دختر با عنایت‌اله بسته می شود.
●در ماه عقرب ۱۳۷۴ یکی از دایی‌های خویشاوند دوستم با قوماندان و چند نفر مسلح جلو زن جوانی معلم در مکتب خدیجه جوزجان را گرفته از او می‌خواهند تا سوار جیپ شود و خواست قوماندان بی‌ناموس را برآورده سازد اما زن بروی آنان تف انداخته و دشنام می‌دهد. قوماندان وحشی فوراً با تفنگچه‌اش معلمه را بقتل می‌رساند. شب هنگام نیز به خانه وی هجوم برده اعضای فامیلش را با خود می‌برد تا راز جهادی‌اش افشأ نشود. تا کنون از زنده و مرده فامیل سیاه‌بخت اطلاعی نیست.
●به تاریخ ۳ عقرب ۱۳۷۴ پسر شانزده ساله‌ای توسط افراد شورای همآهنگی دوستم ربوده می شود. ربایندگان از پدرش که مالك هوتل البرز شهر مزار است مبلغ ۳۰ لك افغانی جهت رهایی وی خواستار می‌شوند. اما پسر موفق به فرار شده و به کمك تکسی رانی به خانه برمی‌گردد و دریور مبلغ دو لك افغانی انعام می‌گیرد. پسرك در مدت زندانی بودنش نزد جهادی‌های شرفباخته مورد تجاوز جنسی و لت و کوب فراوان قرار گرفته بود.
●بتاریخ ۲۴سنبله سال۱۳۸۲ قوماندان محی‌الدین بادیگارد دوستم دختر هشت ساله‌ای را از پرورشگاه اختطاف و در جنگل‌باغ شبرغان مورد تجاوز قرار می‌دهد. طفلک معصوم بعد از حادثه حواس خود را کاملا می‌بازد.
●پسر۱۷ ساله حاجی پاینده بنام نجیب بتاریخ ۲۹ دلو سال۱۳۸۶ با دو دوست دیگر خود بر یک دختر ۱۲ساله که متعلم صنف ششم مکتب بود به صورت دستجمعی تجاوز نمودند. دولت فاسد کرزی جریان ماجرا را نظاره داشت

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ولی هیچ اقدامی شایسته نکرد تا این که نجیب کثیف بعد از مدتی بی‌خیال به خارج رفت. هر چندی که این حادثه دردناک وسیعا توسط رسانه‌ها هم به نشر رسیده بود.
●دوستم جهت عیاشی و خوشگذرانی خویش قصری را در بندر اندخوی شهر شبرغان در ساحه ده‌ها جریب زمین با داشتن حوض آببازی و چمن به مصرف ملیون‌ها افغانی اعمار نموده است. عیاشی یکی از امراض علاجناپذیر «رهبر» جنبش ملی و اسلامی می باشد. او به وسیله دلالان خود به نام‌های نظام و بچه جمال هزاره، برای خوشگذرانی و هرزگی زنان را از شبرغان و مزار به قصر می‌آورد. همچنان روسپی‌های ترکی و ازبکی شب و روز در حال رفت و آمد در قصر افسانوی دوستم می‌باشند.

قتل

●روز اول عید قربان (۹ ثور ۱۳۷۵) جنگی شدیدی بین تفنگداران عمر و بدل (قوماندانان دوستم) و مجید پادشاه خان (قوماندان حزب اسلامی گلبدین) در ولسوالی خلم تاشقرغان در گرفت که در اثر آن دکان‌های شهر به آتش کشیده شد و اموال آنها توسط رهزنان جهادی و خادی غارت گردید. در این جنگ ۲۵ نفر به قتل رسیدند و تعداد زیادی نیز زخمی شدند.
●در جوزای ۱۳۷۴ دگر جنرال میرهاشم قوماندان کندك محاربوی به همدستی تورن جنرال صادق قوماندان عمومی شبرغان یك عراده موتر عسکری را به
دو نفر به مبلغ ۷۵۰ لك افغانی بفروش می‌رسانند. بعداً افراد خود آنان موتر را متوقف کرده خواهان اسناد آن می‌شوند. چون سندی وجود نداشت هر دو را به جرم دزدی به دشت سلطان کوت برده یکی را بعد از گرفتن پول رها و دومی را که پولی نداشت به قتل می رسانند.
●در منطقه هرخ ولسوالی شولگره ولایت بلخ مردمی که از ظلم و ستم، جریمه‌های نقدی، تجاوز و کشتار یکی از قوماندانان گروپ اکه‌یاسین دوستمی بنام امام‌الدین به ستوه آمده بودند تصمیم گرفتند تا آن جنایتکار را به جزای اعمالش برسانند. بتاریخ ۲۲ سنبله ۱۳۷۴ چند تن از اهالی به اتفاق لطیف یکی از بادیگاردهای امام‌الدین، او را در مسیر بازار هرخ به رگبار ماشیندار بسته و بقتل رساندند. ولی بعد از این حادثه، دوستمی‌ها بالای لطیف، فامیل و اقاربش یورش برده ۲۰ نفر را که اکثر شان زنان و حتی اطفال گهواره‌ای بودند، به قتل می رسانند.
●پدر صمد (قاتل رسول پهلوان) از مرگ رسول پهلوان اطلاع پیدا نموده نزد زمان پهلوان (برادر رسول پهلوان) می‌رود تا از صمد احوال بگیرد. زمان پیر مرد را به خانهٔ خود برده شاجوری به دهنش ضربه نموده او را از بین می‌برد. بعد زمان پهلوان با یك تعداد از افرادش سراغ باقی اعضای فامیل صمد (مادر، برادر، ماما، کاکا و دوستان او) رفته همه راگلوله باران می کند. همزمان با این قضیه پانزده تن از قوماندانان و افراد مسلح از کوهستان ولسوالی لولاش میمنه که از نزدیکان صمد بودند، نزد گُلی پهلوان (فعلا وکیل پارلمان) به فاتحه می آیند که در نتیجه همه از دم تیغ کشیده می شوند.
علاوه بر این، زمانی که جسد رسول را از مزار به میمنه می‌بردند، در میدان هوایی آنجا زمان پهلوان، تمام محافظان برادرش را دستگیر و به جرم اطلاع داشتن از قتل رسول، اعدام می کند. مردم می‌گویند او (زمان) این کشتارها را با اشاره و حمایت دوستم انجام می دهد تا دست داشتن خود دوستم در قتل رسول علنی نشود.
●بتاریخ ۲۲ حمل ۱۳۷۵ روز میله گل سرخ از چمن روضه هفت زن و دختر ربوده شده و بعد از تجاوز به قتل رسیدند که از آن جمله ۶ جسد در دشت شادیان مزار یافت شد.
●بعد از شکست ماه عقرب سال ۱۳۷۳ دوستم که طی آن ده‌ها نفر بدست باند ربانی اسیر و صدها نفر خلع سلاح شدند، افراد دوستم بتاریخ ۲۲ عقرب سال ۱۳۷۴چشمان رحمت‌اله جمعیتی (از ولسوالی چمتال) را کشیدند تا خشم و قهر شان را تبارز داده باشند.
●در اوایل قوس۱۳۷۴ و اوج ددمنشیّ‌های جنبشیان، دوستم بدلیل ترس از خشم مردم و جهت تداوم قدرت خطاب به پهلوانان و قوماندانان خود گفت: «کارد ستم و جنایت را یکباره به استخوان مردم نرسانید. شما در زندگی خود روی موترهای تیز رفتار را ندیده بودید و از خیرات جنبش ملی و اسلامی هر کدام صاحب موترهای شخصی، آپارتمان‌ها و پول شدید«.

نمونه ای از سگ جنگی تنظیم

دوستم بعد از تصفیه فاریاب از وجود نیروهای ملك و تحکیم خط بادغیس به فکر حاکمیت بر مزار و نواحی اطراف آن شد و پنجاه فیصد مواضع و پوسته‌های قبلی خود را به جز از ساحه کود و برق و شهرك حیرتان از حریفان جهادی بدست آورد ولی جناح محقق وحدتی و ملیشه‌های ملك در کمین نشستند. بی‌اعتمادی روزافزون باعث تشدید تضاد شد تا این که بخشی از نیروهای حزب وحدت مستقر در حیرتان جهت تجلیل سالگرد پدر جنایتکاران علی‌مزاری

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

به مزار آمدند و دوستم با استفاده از این فرصت ستونی از نیروهای مسلح خود را زیر نام اعزام به جبهه کندز از راه حیرتان حرکت داد که با رسیدن به شهرك حیرتان این کاروان با نیروهای ذخیره حیرتان یکجا در ۲۰ حوت ۷۶ با «برادران» جنایتکار وحدتی درگیر شده و در ۲۴ ساعت تمام پوسته‌های وحدت تصفیه و نصیر دیوانه قوماندان جانی حزب وحدت با تقریباً یکصد نفر کشته و اجساد آنان به دریای آمو انداخته شد.
در این جریان، چهار نفر از یك فامیل توسط اصابت راکتی جان سپردند و حدود ۶۰ نفر از طرفین و اهالی شهرك حیرتان زخمی گردیدند. دوستمی‌ها تمام اموال ادارات و مؤسسات این منطقه را کاملاً چور نمودند. حتی سه نفر از غنیمت‌گیران مسلح در دفتر قوماندانی آن شهرك به خاطر تصاحب یك چوکی گیت به گیت شدند.
روز بعد تفنگداران حزب وحدت در شهر مزار زد و خورد شدیدی را علیه مواضع ملیشه‌ها آغاز نمودند. ملیشه‌ها قوای سرحدی، شرکت تیل‌کشی، ریاست نفت و گاز، ریاست امنیت دولتی، خانه دوستم، منزل حیدر جوزجانی و آپارتمان دوستم را به نیروهای حرکت اسلامی، حزب اسلامی و حزب وحدت اکبری تسلیم نمودند، چون قبل از تعرض، دوستم با گلو، سید علی جاوید سرپرست حرکت و کاظمی مسئول سیاسی وحدت اکبری در مورد گوش‌مالی محقق وحدتی به تفاهم رسیده بودند. در این زد و خوردها تقریباً ۶۰ نفر از ملیشه‌ها کشته و متباقی فرار کرده و یا اسیر شدند و نیز حدود ده نفر از مردم بی‌دفاع به هلاکت رسیده و حداقل ۳۰ نفر زخمی گردیده و خسارات زیادی به مناطق مسکونی وارد آمد.
نیروهای طرفین در خارج از شهر در دوراهی حیرتان صف‌آرایی نموده بودند که با پرواز طیاره بمب‌افگن دوستم، محقق هیئت صلح را به سرکردگی سیدعلی جاوید، کاظمی، خلیلی، ربانی و سایر لاشخواران جبهه متحدشان نزد قوماندان عمومی صفحات شمال فرستاد تا آتش‌بس برقرار شود و سر انجام موقتاً آتش سگ‌جنگی خاموش شد. ولی مردم با پیدا شدن سر و کله مکروب مشهور جهادی گلبدین روزهای خونین‌تری را پیشبین بودند. در جریان این سگ‌جنگی‌ها صدها منزل، دکان، شرکت و مؤسسه داخلی و خارجی به شمول دفتر صلیب سرخ، شفاخانه دو صد بستر، ریاست نفت و گاز شمال، منزل و آپارتمان دوستم، خانه حیدرجوزجانی، منزل شاروال عمری، منزل کامگار و... به غنیمت در آمد. جالب اینست که رئیس نفت و گاز به زبان خود اقرار داشت که در ختم جنگ حدود پنجاه نفر مسلح از حرکت و وحدت اکبری داخل تفحصات گردیده تعدادی موتر برمه‌کاری را می‌بردند و تعدادی دیگر میز و چوکی را. رئیس مذکور با غرور ادامه می‌دهد که ناچار شد به محقق و سیدعلی جاوید معاون صاحب صدارت عظمی دولت اسلامی و ربانی تلفن کند که تمام هستی تفحصات توسط افراد مسلح تان به تاراج رفت. آنان مسئولانی را بنام نوری و رفیعی فرستادند تا جلو سارقان را بگیرند. غنیمت‌گیران سپاه دولت اسلامی در اولین برخورد به مسئولان شان در حضور رئیس صاحب گفتند به جاوید بگویید که بعد از مدت‌ها برای ما یك وند رسیده و این حق ماست. بعداً رئیس صاحب به گارنیزیون اطلاع می‌دهد. ولی دزدان و اوباشان دزدبگیر گارنیزیون به سرکردگی علم سیاه زمانی می‌رسند که وندگیران حق شان را برده بودند. آنگاه افراد گارنیزیون مسئولیت امنیتی تفحصات را می‌گیرند. رئیس بیچاره و نام نهاد باز هم درد دل می‌کند: «شبها با استفاده از تاریکی افراد امنیتی گارنیزیون داخل تحویل خانه‌های ریاست مثل سگ شکاری بو می‌کشند تا اگر از دزدان دست اول چیزی باقی مانده باشد«.
هنوز وضع نورمال نشده بود که قوای توپ‌خانه دوستم به سرکردگی شیرعرب یکی از قوماندانان خونخوار آن ساحه رهایشی کود و برق را محاصره نموده و پوسته های امنیتی حزب وحدت را زیر آتش گرفت. در جریان درگیری ۳ نفر از حزب وحدت کشته، یك نفر زخمی و ۸ نفر مسلح آنان فرار نمودند و قوماندان وحدتی بنام مبین نیز از بین رفت. دامنه جنگ به شیخ‌آباد دهدادی و قلعه جنگی کشیده شد. در شیخ‌آباد بعد از دو ساعت مقاومت ۳۰ نفر اسیر و ۴ کشته بجا مانده و طیاره‌های دوستم فرقه ۳۰ وحدت واقع قلعه تخته‌پل را بمباران کردند.
فردای آن روز لعل محمد پهلوان معاون دوستم از منطقه شیخ‌آباد دیدن می‌کند و بعضی از اموال قلعه جنگی را که در ماه سنبله ۷۶ با آمدن طالبان توسط افراد حزب وحدت ربوده شده بودند دوباره مصادره می‌کنند. همچنان از خانه سیدکاتب آمر مالی حزب وحدت ۲۷ پایه یخچال بیرون آوردند. لعل پهلوان فرمان تاراج تمام اموال منازل آن محل را صادر می‌کند. بعد افراد مسلح شیرعرب کلیه ساکنان آن منطقه را بیرون کشیده و اموال آنان و نیز دروازه، کلکین و سرطاق‌های منازل را تاراج می‌کنند. جنگ موقتاً خاموش می‌شود ولی شهر و نیروهای حزب وحدت در محاصره کامل نیروهای دوستم قرار می‌گیرند.
در جریان جنگ مواد غذایی، البسه، مهمات و سلاح ثقیله و خفیفه مستقیماً از ازبکستان به شهر حیرتان برای دوستم می رسید. همچنان طیاره‌های ایران از طریق میدان هوایی مزار همه روزه به سگان وحدتی خود مهمات می رساند. خلاصه دو طرف جهت تحکیم مواضع خود برای جنگ خانمان‌سوز دیگری در تلاش بودند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ